



شرح دعای چهل وسوم صحیفه سجادیه

نگاه به هلال "ماه نو"

نویسنده و محقق: فاطمه پورشفیعی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

تایستان ۹۷

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهَلَالِ

دعای حضرت هنگام نگاه به هلال " ماه نو "

فراز اول:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ،

ای خلق شده فرمانبردار

الدَّائِبُ السَّرِيعُ،

ای موجود رنج بیننده در کار

الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ،

ای خلق شده که در منازل تقدیر آمد و شد می کنی

الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ.

ای که چرخ فلک تدبیر را می گردانی.

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلُمَ،

ایمان آورم به کسی که بوسیله تو تاریکیها را روشن می کند.

وَ أَوْضَحَ بِكَ الْبُهَمَ،

و آشکار نمود به وسیله تو مبهمات را.

وَ جَعَلَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ،

و خداوند تو را نشانه ای از نشانه های ملک خود قرار داد.

وَ عَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ،

و تو را علامتی از علامتهای سلطنت خود قرار داد. (متغیر بودن ماه های عربی)

وَأَمْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ،

از نظر جغرافیایی تو فزونی و کاستی داری. (دلالت بر تغییرات هلال ماه – اول و وسط و آخر ماه در شکل ظاهری از نظر جغرافیایی)

و الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ،

و تو صاحب طلوع و غروب هستی.

و الْإِنَارَةِ وَ الْكُسُوفِ،

و تو تابندگی و گرفتگی (ماه گرفتگی) داری

فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ،

در تمام این احوال تو فرمانبردار و مطیع الهی هستی.

وَ إِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ

و بسوی اراده الهی شتابان هستی.

هلال در فرهنگ لغات:

در مفردات راغب ، ماه را در شب اوّل و دوّم هلال گویند سپس آن را قمر گویند بی آنکه هلال گفته شود. در مجمع آمده که، بقولی آنرا در شب اوّل و دوّم هلال می گویند و بعد هلال گفته نمی شود تا در ماه آینده بحال اوّل بر گردد. (قاموس قرآن – فرهنگ لغات قرآنی)

این تغییرات هلال ماه چه فایده ای دارد؟ در جواب فرموده شده: آنها زمانها و وقتها هستند برای مردم و اوقات هستند.

شق القمر چیست و چگونه تفسیر می گردد:

در روایات در مورد شق القمر گفته شده است که: معجزه الهی است در زمان حضرت رسول (ص) ، و گفته شده ماه با اشاره وی از هم شکافته شده و دو نیم شده است. و بعد از زمان کوتاهی دو نیمه ماه دو

باره بهم متصل شده است، و بیشترین مفسرین تاریخی بودن این حادثه را پذیرفته اند. گر چه بعضی از معتزله مثل حسن بصری شکافتن ماه را به روز قیامت دلالت می دهند

انشقاق قمر:

انشقاق قمر در زمان حضرت رسول (ص) رخ داد و قمر شکافته شد. و مشرکان آنرا دیدند ولی باز ایمان نیاوردند و گفتند این سحر است و شکافتن آن علامت نزدیک بودن قیامت است. اگر ماه را از سمت غار حرا می دیدند آن دو تکه در دو طرف غار در آسمان کاملاً مشخص می شد. شق القمر اثبات نبوت آنحضرت بطور معجزه است همانند عصا در زمان موسی(ع) – (قاموس قرآن)

آیا از نظر علم امروز آیا انشقاق در کرات آسمانی ممکن است؟

به تصریح دانشمندان نجوم هزاران سنگهای سرگردان بنام "استروئید" بدور خورشید میگردند. قطر بعضیاز آنها در حدود ۲۵ کیلومتر است. دانشمندان عقیده دارند که این سنگها بقایای سیاره بزرگی هستند که در مداری میان مدار مریخ و مشتری در حرکت بوده و در اثر عوامل مجهولی منفجر و متلاشی شده است و نیز عقیده دارند که شهابها بقایای سیاره منفجر شده ای هستند.

آیا امکان دارد در صورت شکافته شدن یک سیاره دوباره بهم پیوسته و التیام یابد؟

آری، اگر سیاره ای در اثر عاملی از عوامل از هم شکافته شود در صورتیکه فاصله میان اجزاء آن کم باشد پس از رفع عامل انشقاق در اثر تجاذب نیوتونی بهم بر آمده و مجدداً ملتئم خواهد شد. (قاموس قرآن- فرهنگ لغات قرآنی)

ماه گرفتگی چیست ؟

در قرآن آیاتی در مورد خسوف وجود ندارد ولی خسف قمر (بی نور شدن ماه) از نشانه های قیامت است . در یک آیه آمده است " یسئل ائیان یوم القيامة – فاذا برق البصر و خسف القمر ولی غالباً هدف قرآن هدایت بشر است و یافتن معارف حقه و همه مسائل علمی و عملی در قرآن نیامده است.

ماه نیز در مدار بیضی شکل به دور زمین می گردد، حال در این صورت اگر ماه از فضای بین خورشید و زمین عبور کند، سایه ماه بر زمین می افتد و شاهد یک خسوف خواهیم بود. اما فاصله زمین از خورشید آن قدر کم است که ما ابعاد خورشید را می توانیم تشخیص بدهیم، لذا علاوه بر سایه، نیم سایه نیز در اطراف ماه و زمین بوجود می آید. (فرهنگ قاموس قرآن)

نکاتی چند در باره شناخت ماه:

تقویم هجری چگونه ایجاد شد و علت نامگذاری ماه‌های قمری چیست؟

در سال ۴۱۲ میلادی، یعنی حدود دو قرن پیش از ظهور اسلام، سران قبیله‌های عرب در مکه، برای یکسان سازی و سامان دادن به پیوستگی و اسامی ماه‌های عرب، گرد هم آمدند.

جلسه یاد شده در منزل کلاب بن مرة، جدّ پنجم پیامبر شکل یافت. این تقویم عربی، پس از هجرت پیامبر، هجری نامیده شد. پذیرش رسمی تقویم هجری، تقریباً در نیمه سال سوم خلافت عمر بن خطاب، به توصیه علی ابن ابیطالب، در ربیع الأول سال شانزدهم هجرت رسمیت یافت، و به دنبال آن اول محرم سال هفدهم هجرت، آغاز سال اعلام شد. در علت نامیده شدن هر یک از این ماه‌ها، پیش از اسلام، به اسامی شناخته شده، سخن بسیار گفته شده که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌رود.:

۱- محرم

به معنای حرام شده است. پیش از اسلام در این ماه، جنگ و ستیز بین مردم حرام بوده است.

۲- صفر:

به معنای خالی شدن است. زیرا بعد از مراسم حج، مکه، تقریباً خالی از سکنه و حاجی می‌شد، و این حالت برای ماه بعد، یعنی صفر ادامه داشت. در این ماه سرقت و دزدی زیاد اتفاق می‌افتاد و بسیاری از کاروان‌ها با بار خالی (صفر) به منزل باز می‌گشتند!

۳- ربیع الأول:

نخستین بار که این ماه می‌خواست نامگذاری شود، بهار و زمان رویش گل و گیاه بود، از این رو ربیع-بهار- نامیده شد.

۴- ربیع الآخر:

چون در ادامه ربیع نخست آمده، و هنوز سرسبزی ادامه داشته، اینگونه نامیده شده است.

۵- جمادی الأولى:

پیش از اسلام به آن جمادی خمس می‌گفتند. "جماد" به معنای جامد و یخبندان است و نخستین بار با فصل سرما همراه بوده است.

۶- جمادی الآخرة:

به دنبال یخبندان اول آمده است.

۷- رجب :

به معنای عظیم و بزرگ و توقف جنگ است . ماه رجب برای اعراب پیش از اسلام، گرامی بوده است. در این ماه جنگ و ستیز حرام است.

۸- شعبان :

همچون- شعب - بین ماه رجب و رمضان است . در این ماه هر گروهی متفرق می شد و به دنبال ذخیره کردن آب می رفت و یا اینکه شعبه شعبه، گروه گروه، می شدند تا جنگی تازه آغاز کند.

۹- رمضان:

به معنای گرم و سوزان و از درون سوختن است . این ماه، تنها ماهی است که قرآن کریم از آن یاد کرده «شهر رمضان الذی انزل فيه القرآن» (بقره / ۱۸۵)

۱۰- شوال:

به معنای زیاد شدن زیاد شدن شیر شتران و آبستن شدن آنها، و یا قطار کردن شتران جهت سفر است. زیرا ماه هایی که جنگ و ستیز در آن نبوده به دنبال آن است و مردم می توانستند با آرامش بیشتری شروع به سفر کنند.

۱۱- ذی القعدة:

کلمه «ذو» که از اسم های خمره است، به معنی صاحب و دارنده . ذوالقعدة، نخستین ماه حرامی است که مردم از جنگ دست می کشند.

۱۲- ذی الحجة: یا ذوالحجه:

مراسم حج پیش از اسلام نیز در این ماه انجام می شده است . عید قربان در آن واقع شده و از ماه های حرام است

آیا با نام های - ربیع و جماد - در بین اسامی آمده، می توان این گمانه را طرح کرد، که ماه های عرب، روزگاری، در پیوند با فصل های طبیعت بوده است و پژوهش در این باره، منافاتی با آیات ۳۶ و ۳۷ سوره توبه نمی یابد ؟

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

همانا عدد ماههای سال نزد خدا در کتاب (تکوین و تشریع) خدا دوازده ماه است از آن روزی که خدا آسمان و زمین را بیافرید و از آن دوازده ماه چهار ماه ماههای حرام است (نزد اکثر مفسرین آن چهار ماه ذیقعد و ذیحجه و محرم و رجب است) این است دین استوار و محکم، پس در آن ماهها ظلم و ستم (به جنگ و خونریزی) در حق خود و یکدیگر مکنید و متفقا همه با مشرکان قتال و کارزار کنید چنانکه مشرکان نیز همه متفقا با شما به جنگ و خصومت برمی‌خیزند و بدانید که خدا با اهل تقواست.

فراز دوم:

سُبْحَانَهُ

خداوند منزّه است.

مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ

چه شگفت آور است آنچه در کار تو تدارک دید.

وَ أَلْطَفَ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ

چه لطافتی در شأن تو بکار برد.

جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ

تو را کلید ماه قرار داد.

حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ

تو را بوجود آورد برای کاری نو – نو برای نو

فراز سوم:

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكَ، وَ خَالِقِي وَ خَالِقَكَ، وَ مُقَدِّرِي وَ مُقَدِّرَكَ، وَ مُصَوِّرِي وَ مُصَوِّرَكَ

پس در خواست می کنم از پروردگارخودم و خودت و خالق و آفریننده من و خودت ، تقدیرکننده من و تقدیر کننده تو ، و صورتگر من و صورتگر تو،

أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَنْ يَجْعَلَ هِلَالَ بَرَكَهٍ لَا تَمَحُّهَا الْأَيَّامُ،

اینکه با درود بر محمد و آلش، قرار دهی هلال ماه را برکتی که ایام را بر باد نبرد(سرشمار باشد)

وَ طَهَارَةٍ لَا تُدْنِسُهَا الْأَثَامُ

هلال ماه را طهارت و پاکی قرار دهی تا گناهان آنرا آلوده نکنند.

هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ،

هلال ماه را ایمن از آفات قرار بده.

وَ سَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ،

هلال ماه را سلامت از بدیها و گناهان صغیره قرار بده .

هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ،

هلال ماه را سعد و نیکبخت قرار بده بگونه ای که نحسی در آن نباشد.

وَ يُمْنٍ لَا نَكْدَ مَعَهُ،

هلال ماه را برکتی قرار بده که سختی و بدبختی با آن نباشد.

وَ يُسْرِ لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ،

هلال ماه را آسانی همراهش کن که با سختی ممزوج نشود.

وَ خَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ،

هلال ماه را خیری درش قرار بده که آمیخته با شر نگردد.

هِلَالَ أَمْنٍ وَ إِيْمَانٍ وَ نِعْمَةٍ وَ إِحْسَانٍ وَ سَلَامَةٍ وَ إِسْلَامٍ.

هلال ماه را به نور ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام آراسته گردان.

سعادت و نحوست ایام آیا صحت دارد؟ (تفسیر المیزان- سوره قمر)

ما به هیچ وجه نمی توانیم بر سعادت روزی از روزها و یا زمانی از ازمنه و یا نحوست آن اقامه برهان کنیم و بین زمان که این روز سعد است و آن روز نحس است فرقی بین ایام نیست.

بیشتر احادیثی که در مورد نحوست و یا سعادت ایام گفته شده ، احادیث ضعیف هستند و یا مرسل و بدون سندند، و یا اینکه سندشان کامل نیست و بعضی سندی معتبر دارد که خالی از اعتبار نیست. روزهای نحس بر روزهایی است که حوادث ناگوار مثل رحلت پیامبر(ص) و شهادت ائمه(ع) و یا انداختن حضرت ابراهیم (ع) در آتش و نزول عذاب بر فلان امت و غیره.... رخ داده است.

و بطور کلی نحوست بجهاتی از شقاوتهای معنوی و یا دینی است که از بی اعتنائی به ان علل و اسباب اعتباری منشاء می گیرد .

بعضی از علماء روایاتی را که نحوست بعضی از ایام را مسلم گرفته حمل بر تقیه کرده اند که خیلی بعید هم نیست. تفأل به زمانها و مکانها و اوضاع و احوال و شوم دانستن آنها از خصائص عامه است که خرافاتی بسیار نزد عوام از امتهای و طوائف مختلفه از دیر زمان ، یافت می شود. در بعضی از روایتها این شوم و نحس و سعید را به رسول خدا(ص) نسبت داده و کسی جرأت نکرده آنها را رد کند.

سعادت و نحوست کواکب:

آیا اوضاع کواکب آسمانی در سعید بودن و یا نحس بودن حوادث زمین تأثیر دارند یا خیر؟

در این قسمت هم همان گفتاری را که در باره نحوست ایام گفته شد ، دنبال می شود. منجمین قدیم هند معتقد بودند که حوادث زمین ارتباطی با اوضاع سماوی دارد ولی همین منجمین در باره خود ستارگان اختلاف کرده اند . بعضی گفته اند ، این اجرام موجوداتی هستند دارای نفوس زنده و اراده که به عنوان یک علت فاعلی کار می کنند . بعضی دیگر گفته اند ، اجرامی هستند بدون نفس ولی اثری که از خود بروز دهند به عنوان یک علت فاعلی است. بعضی گفته اند : اصلاً علت فاعلی آثار خود نیستند بلکه زمینه فراهم ساز فعل خدایند و فاعل حوادث خدای تعالی است.

بعضی گفته اند : کواکب و اوضاع آن صرفاً علامتهایی هستند برای حوادث اما خود آنها هیچکاره اند . و در حوادث نه فعل آنهاست و نه آنها زمینه چین فعل خدا در آن حوادثند.

بعضی گفته اند: اصلاً هیچ ارتباطی میان اوضاع کواکب و حوادث زمینی نیست.

خلاصه هیچ یک از این نظرات دائمی و عمومی نیستند و نمی توان گفت: فلان وضع آسمانی برای فلان حادث زمینی است. گاهی پیشگوئیا درست درمی آید و گاهی هم دروغ می شود. آیا بین کواکب و زمینها ارتباطی وجود دارد؟

بطور قطع نمی توانیم پاسخ دهیم ، ولی می توان گفت: که هیچ دانشمندی این ارتباط را انکار نمی کند. اما روایات وارده در اینکه اوضاع ستارگان در سعادت و نحوست اثر دارند یا ندارند بسیار زیاد و بر چند قسم است.!

بعضی از روایات مسئله سعادت و نحوست را پذیرفته ، مانند روایت صاحب رساله الذهبیه ، که در کتاب خود که از امام رضا(ع) نقل کرده است: بدانکه جماع با زنان در وقتی که قمر در برج حمل (فروردین) یا برج بهمن است بهتر است و از آن بهتر وقتی است که قمر در برج ثور (اردیبهشت) باشد که شرف قمر است.

و یا گفته شده ؛ مسافرت و یا ازدواج در حالیکه قمر در عقرب باشد ، خوب نخواهد بود . ممکن است این روایات حمل بر تقیه شده باشد که بسیاری همین نظر را دارند. راوندی از موسی بن جعفر(ع) از پدرش و او از جدش نقل کرده است : که در هر صبحگاهی بصدقه ای تصدق ده تا نحوست آنروز از تو بر طرف شود.

دسته دیگر از روایات ، روایاتی است که بکلی تأثیرات نجوم در حوادث را انکار و تکذیب می نماید. دسته دیگر از روایات احادیثی است که دلالت دارد بر اینکه نجوم در جای خود حق است و چیزی که هست اینکه تحصیل اندک از این علم فائده ندارد و بدرد نمی خورد و زیادش هم بدست کسی نمی آید.(تفسیر المیزان)

فراز چهارم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ،

با درود بر محمد و آل او، ما را از راضی ترین کسانی قرار بده که این هلال برایش طلوع کرده است.

وَأَزَكَّى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ،

ما را از پاکیزه ترین کسانی قرار بده که به آن نگاه کرده اند.

وَأَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ،

و ما را از نیکبخت ترین کسانی قرار بده که تو را عبادت کرده اند در آن ماه قرار داده شده.

وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ،

و ما را موفق گردان در این ماه به توبه.

وَ اغْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ،

و ما را پاک کن از گناه.

وَ احْفَظْنَا فِيهِ مِنْ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ

ما را در این ماه از قرار گرفتن در گناه و معصیت و نا فرمانی از تو حفظ کن.

وَ أَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ،

و ما را به شکر نعمتهای خود ملهم ساز.

وَ أَلْبَسْنَا فِيهِ جُنْنَ الْعَافِيَةِ،

بر ما بپوشان لباس عافیت را.

وَ أَتِمِّمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ،

بر ما تمام کن و منت بگذار ، انجام طاعتت را در این ماه که طاعت تو نعمت بزرگی است.

إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

همانا تو صاحب نعمتهای بزرگی و ستایش شده ای، و درود بر محمد و آل او که از پاکیزگان و پاکانند.

والسلام على من اتبع الهدى

منابع:

تفسير الميزان- علامه طباطبائی

الميزان الحکمة – ری شهری

فرهنگ نوین-

فرهنگ قاموس قرآن (قریشی)